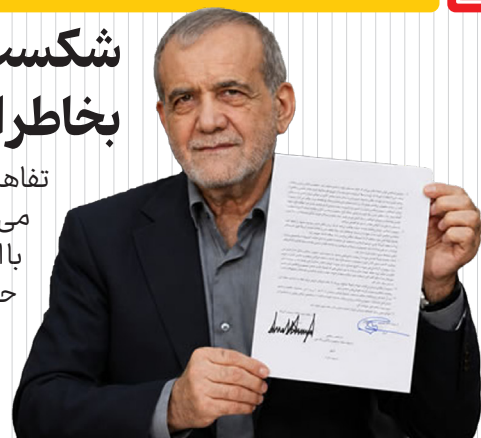


شکست تفاهم نامه اسلام آباد بخاطر اقدام ایران بود یا امریکا؟

تفاهم نامه ای که به اصطلاح سند شکست آمریکا در برابر ایران معرفی می شد، باردیگر نقل برخی محافل غرب زده و اصلاحات شده است. این بار با این ادعا که ایران با نقض تفاهم نامه، زمینه خروج آمریکا را فراهم کرد. حال آنکه فارغ از نادرستی این روایت، برخی افراد مسئول در دولت برای کشاندن آمریکا به میز مذاکره چنان اصرار می ورزند که گویی این طرف ایرانی بوده است که به عهد خود وفا نکرده است و باعث نقض تفاهم نامه اسلام آباد شده است!

۶



نمایندگان علیه مجلس تک نفره

۲



نوبنیاد گزارش می دهد؛

فرار همتی در روزهای جهش دلار

۴

هجوم حامیان دولت بایرچسب سیاسی کاری و نگاه انتخاباتی

حمله وفاق به طرح «تورم صفر»

۳



مجلس؛ خانه امید مردم در برابر انفعال راهبردی دولت

میلاد آصفری
فعال سیاسی

آنچه امروز به عنوان کارنامه اقتصادی دولت بر همگان عیان است، نتیجه تکرار تلخ سناریویی است که هفت سال پیش به روی صحنه رفت و در نهایت، با یک «خسارت محض» به نقطه پایان رسید. اردیبهشت ۱۳۹۷ ماه بود که دونالد ترامپ خروج آمریکا از برجام را اعلام کرد. دولت دوازدهم که تمام تخم مرغ های سیاست خارجی خود را در سبد مذاکره با آمریکا گذاشته بود، ناگهان خود را در خلأ تصمیم گیری دید اما نرخ دلار منتظر او نماند و با رشد پنج برابری جهش بی سابقه ای را رقم زد.

متن کامل در صفحه ۳

صفحه ۵

اقتصادی

زنگ هشدار درباره وضعیت «بی دولتی»

در شرایطی که سیاست های ناهماهنگ و آزادسازی های بی ضابطه قیمت ها، نقدینگی سرگردان را از جریان های تولید به سمت بازارهای غیرمولد و سوداگرانه سوق داده، اقتصاد در غیاب یک اتاق فرماندهی واحد و منسجم رها شده است.

صفحه ۱۱

سیاست خارجی

احترام به بمب، فشار بر ایران

اظهارات تازه دونالد ترامپ درباره رابطه خوب با کره شمالی و پیوند این رابطه با برخورداری پیونگ یانگ از موشک های هسته ای، باردیگر منطق قدرت در سیاست خارجی واشنگتن را آشکار کرد. ترامپ بی پرده می گوید ایران نباید به چنین توانی دست یابد.

نحوه مدیریت مجلس توسط قالیباف انتقاد و اعتراض صریح و کم سابقه تعدادی از نمایندگان مجلس را به دنبال داشت

نمایندگان علیه مجلس تگ نفره

هفته، کوتاه شدن زمان هر جلسه و به ویژه حذف امکان ثبت نام برای نطق پنج دقیقه ای و تذکرات کوتاه یک تا سه دقیقه ای، انتقادات را مستقیم متوجه هیات رئیسه و شخص محمدباقر قالیباف کرد.

تعطیلی چندماهه صحن علنی مجلس شورای اسلامی و انتقال جلسات به فضای مجازی، از همان ابتدا با مشکلات فنی متعدد و نارضایتی نمایندگان همراه بود. با گذشت زمان، این نارضایتی ها ابعاد تازه ای پیدا کرد؛ کاهش تعداد جلسات از سه به دو جلسه در



مجلس را طبق آیین نامه اداره کنید

علاوه بر این، در جریان جلسه مجازی روز گذشته مجلس، حسینعلی حاجی دلیگانی نماینده شاهین شهر به انتقاد از عملکرد قالیباف پرداخت و از کم شدن جلسات مجازی مجلس از ۳ روز به ۲ روز گلایه کرد و خواستار برگزاری عادی جلسات در صحن مجلس شد. وی همچنین در پاسخ به تذکر قالیباف افزود: علت اینکه نمایندگان در دستور صحبت نمیکنند این است که شما مجلس را طبق آیین نامه اداره نمی کنید و زمان تذکرات ۱ و ۲ و ۳ دقیقه ای را خلاف قانون حذف کرده اید! وقتی نمی گذارید کسی جداگانه تذکر بدهد، پس ما کجا حرفمان را بنزیم و از گرانی ها و مشکلات مردم بگوییم؟

«تعطیلی مجلس»

به عنوان لکه سیاه تاریخ خواهد ماند

روح‌الله یزدخواه، نماینده تهران در تجمع مردمی میدان ابن سینا اظهار داشت: حماسه ملت مبعوث، مسیر تاریخ را عوض کرد و نقشه شوم دشمن نقش بر آب شد. مردم مبعوث کطفه هر کودتایی را کور کرده و در برابر هر کودتاگری خواهند ایستاد. ماجرای تاسف آور تعطیلی مجلس به عنوان لکه سیاه در تاریخ خواهد ماند؛ مانند جریان به توپ بستن مجلس! ما مدرس نیستیم اما بعضی ها هم رضاخان نیستند؛ دوره رضاخانی به تاریخ پیوست!

قالیباف مجلس را یک نفره اداره می کند

همچنین، حامد یزدیان نماینده مردم اصفهان با انتقاد از قالیباف و روند اداره مجلس، اظهار داشت: رئیس مجلس کاری کرده که مجلس در بین مردم فحش خور شده چون اولویت های مجلس ربطی به مسائل جامعه و مردم ندارد. وی افزود: مجلس باید مانع این شود که دولت کشور را به پرتگاه ببرد اما متاسفانه دولت در هر موضوعی کاری که دوست دارد را انجام میدهد لذا همه باید کاری کنیم تا هویت و اعتبار مجلس برگردد. یزدیان در پایان خاطرنشان کرد: متاسفانه امروز مجلس دارد یک نفره اداره میشود در حالی که باید باید اولویتهای اقتصادی و معیشتی مردم در صدر دغدغه های مجلس قرار بگیرد.

چرا خلاف قانون، مجلس فقط هفته ای دو جلسه یک و نیم ساعته مجازی دارد؟

حجه الاسلام نقدعلی نماینده مردم خمینی شهر در مجلس در این جلسه با انتقاد از قالیباف و رویه اداره مجلس برخلاف آیین نامه، اظهار کرد: چرا آقای قالیباف اصلاً پاسخ نمیدهد که چنین تصمیمی گرفته شده و خلاف قانون، مجلس فقط هفته ای دو جلسه یک و نیم ساعته مجازی دارد؟ وی افزود: مگر رهبر انقلاب نفرمودند باید کار مجلس مضاعف شود؟ پس چرا برعکس زمان جلسات صحن مجازی مجلس کمتر شد؟ ما نسبت به کم شدن زمان قانونگذاری معترض هیات رئیسه و رئیس مجلس هستیم.

امیرحسین درکی

روزنامه نگار

روز گذشته در جلسه مجازی مجلس، چند تن از نمایندگان با ادبیاتی صریح و انتقادی به نحوه اداره جلسات اعتراض کردند و هشدار دادند که این روند، مجلس را از جایگاه قانون گذاری و نظارت واقعی دور کرده است.

هیات رئیسه، مجلس را «بله قربانگو» میخواند

صباغیان نماینده مردم بافق و مهریز در مجلس در جلسه روز گذشته صحن مجازی مجلس با انتقاد از قالیباف اظهار کرد: این روند باعث تبدیل مجلس به یک مجلس «بله قربانگو» میشود زیرا هر نماینده ای طبق قانون نماینده نماینده ۹۰ میلیون نفر است و ابهامات زیادی درباره بازداشت یک نماینده در حین دوره نمایندگی اش وجود دارد. وی افزود: اگر یک وزیر هم وسط دوره کاری اش به زندان میرفت کسی از دولتی ها سکوت می کرد؟ بازداشت یک نماینده تضییع حق مردم است و آیندگان چه قضاوتی در برابر چنین اتفاقی خواهند داشت؟ صباغیان همچنین ادامه داد: خواهش می کنم به جایگاه مجلس توجه کنید. این وضعیت جایگاه مجلس را تزلزل می دهد. اینجا حقوق مردم است و نماینده باید بتواند بدون ترس، حقوق مردم را فریاد بزند.

مجلس از هفته آینده با سازوکار جدید اداره می شود؟

روز گذشته، عباس گودرزی، سخنگوی هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی اعلام کرد: پیرو پیگیری هیئت رئیسه و طبق مصوبه شمام، از هفته آینده جلسات

صحن علنی مجلس شورای اسلامی با سازوکار دیگری تشکیل خواهد شد. وی توضیح داد:

براساس تصمیم جدید هیئت رئیسه، جلسات صحن هم در محل دائمی صحن و مکمل آن به صورت وبینار برگزار خواهد شد. گفتنی است که این اقدام در حالی صورت می پذیرد که طی چندماه اخیر رویکرد و تعطیلی غیرمنطقی مجلس با انتقادات و اعتراضات گسترده ای از سوی مردم مبعوث و بسیاری از نمایندگان و فعالان سیاسی- رسانه ای همراه شده بود.

خبر کوتاه

آیت الله رجبی: سران قوا از رفتارهایی که به «اتحاد مقدس» و حضور مردم در خیابان آسیب می زند، پرهیز کنند

آیت الله رجبی با تأکید بر ضرورت حفظ «اتحاد مقدس» و حضور مردم در تجمعات، گفت: سران قوا باید از سخنان نسنجیده، تصمیمات، اقدامات و عزل و نصب هایی که موجب آسیب به این دو نعمت بزرگ می شود، پرهیز کنند. وی اظهار کرد: «چه رژیم صهیونیستی و چه رژیم آمریکا در بدترین شرایط طول عمر خود قرار دارند و بحمدلله نظام ما نه تنها تضعیف نشد، بلکه با در نظر گرفتن امدادها و عنایات الهی، به برترین قدرت جهان تبدیل گردید. باید خداوند را بر این نعمت و همه نعمت هایی که در این ایام نصیب ملت ما کرده است، شکرگزار باشیم.» آیت الله رجبی افزود: «اتحاد مقدس» تعبیری است که رهبر شهیدمان به کار بردند و ما باید آن را رواج دهیم و فرهنگ سازی کنیم و از واژه های دیگر عبور نماییم؛ چراکه واقعاً این اتحاد، قدسی و عنایت خداوند بوده است. وی ادامه داد: حضور مردم با نیت خالص و نگاه مقدس در تجمعات نعمت بزرگی است. باید قدر این نعمت را بدانیم، برشور و نشاط آن بیفزاییم و از تصمیمات، اقدامات و سخنانی که به این دو نعمت بزرگ آسیب می زند، پرهیز کنیم. آیت الله رجبی تصریح کرد: «حال که ملت ما همان طور که رهبرمان فرمودند، در این عرصه سنگ تمام گذاشتند؛ مسئولان، به خصوص سران قوا، باید مراقب باشند و از سخنان نسنجیده، تصمیمات، اقدامات و عزل و نصب هایی که خدای نکرده موجب آسیب به این نعمت ها می شود، پرهیز کنند.» وی خاطرنشان کرد: ولایت مداری مسئولان باید در حد پیشتازی باشد و امیدواریم غفلت ها جبران شود و نظرات رهبری در همه عرصه ها، به خصوص در مسائل مذاکرات و جنگ و صلح که از اختیارات شخص ولایت فقیه است، رعایت گردد تا دشمن به زوال و نابودی برسد.

محسن برهانی رسماً از علی بهادری جهرمی عذرخواهی کرد

محسن برهانی نوشت: انصاف و مراقبت از حق الناس که تلاش کرده ام در حد توانم راهنمای عملم باشد ایجاب می کند که به صورت عمومی اعلام نمایم که نسبتی که درباره ورود بدون آزمون به دوره دکتری به آقای دکتر علی بهادری جهرمی داده بودم درست نبوده است. وی افزود: ایشان به صورت قانونی وارد مقطع دکتری شده است و نوشته سابقم علیه ایشان اشتباه بوده است. دین وسیله این خطا را اصلاح می کنم و از ایشان بابت این موضوع پوزش می طلبم.

اعلام وصول ۴ سؤال نمایندگان از وزیر امور خارجه

سمیه رفیعی، عضو هیئت رئیسه مجلس در جلسه علنی روز گذشته مجلس (یکشنبه، ۱۲ مهرماه) موارد اعلام وصولی سؤالات نمایندگان را به شرح زیر قرائت کرد: ۱- طرح اصلاح قانون تعیین وظایف و تشکیلات شورای امنیت کشور با تأکید بر ایجاد حکمرانی امنیت شناختی و مقابله با تهدیدات و جنگ های شناختی؛ ۲- سؤال ملی حسین صمصامی، نماینده تهران و تعدادی دیگر از نمایندگان از وزیر امور اقتصادی و دارایی در خصوص علت مصوبات غیرقانونی کارگروه بازگشت ارز؛ ۳- دو سؤال ملی حسینعلی حاجی دلیگانی، نماینده شاهین شهر از وزیر امور خارجه در خصوص چگونگی نظام حاکم بر عبور و مرور در تنگه هرمز و چگونگی فرایند محاکمه قاتلان و عاملان شهادت مرجع تقلید شیعیان جهان و سایر شهدا در یادداشت تفاهم تنظیمی؛ ۴- سؤال ملی نادرقلی ابراهیمی، نماینده اراک و تعدادی دیگر از نمایندگان از وزیر امور خارجه در خصوص عدم اطلاع رسانی به نمایندگان مجلس شورای اسلامی در خصوص یادداشت تفاهم با دشمن آمریکایی؛ سؤال ملی قاسم روانبخش، نماینده قم و تعدادی دیگر از نمایندگان از وزیر امور خارجه در خصوص علت مخفی نگه داشتن توافق میان ایران و آمریکا.

وزیر نفت استعفا داد؛

حمید بورد سرپرست شد

«طباطبایی» معاون دفتر پزشکیان: با پذیرش استعفاي محسن پاک نژاد طی حکمی از سوی دکتر پزشکیان رئیس جمهور، حمید بورد به عنوان سرپرست وزارت نفت منصوب شد.

دولت

ابهام در سرنوشت استیضاح میدری



طی روزها و هفته های اخیر، ۴ نماینده مجلس شورای اسلامی، یعنی سمیه رفیعی، نماینده تهران، ری، شمیرانات، پردیس و اسلامشهر؛ عباس گودرزی، نماینده بروجرد و اشنترینان؛ و حسین علی حاجی دلیگانی، نماینده شاهین شهر، میمه و برخوار؛ با پیگیری های مستمر خود، اقدام به ثبت و جمع آوری استیضاح احمد میدری کرده بودند. در همین راستا دو روز پیش سخنگوی هیئت رئیسه مجلس اعلام کرد که گزارش کمیسیون اجتماعی درباره استیضاح احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در هیئت رئیسه مجلس اعلام وصول شده است. با توجه به همین موضوع نیز، روز گذشته بیگدلی، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس خطاب به قالیباف اظهار کرد: «استیضاح احمد میدری باید در نخستین جلسه صحن علنی مطرح شود. از شما درخواست دارم درباره ارجاع استیضاح وزیر کار تعیین تکلیف شود.» و قالیباف در پاسخ به بیگدلی با توضیحاتی مبهم نسبت به سرنوشت استیضاح میدری اظهار داشت: «هیئت رئیسه امروز ۳۵ دقیقه درباره این موضوع جلسه داشته است و ان شاء الله درباره آن تصمیم گیری خواهد شد.» گفتنی است که پیش از این نیز در ماجرای عزم نمایندگان برای استیضاح فرزانه صادق، وزیر راه و شهرسازی، هیئت رئیسه کارشکنی کرده بود. علاوه بر میدری و فرزانه صادق، نوری قزلبچه، وزیر جهاد کشاورزی، هم در این دوره بارها مورد مواخذه نمایندگان قرار گرفته است، اما استیضاح او که بارها هم مطرح شده بود، به جایی نرسید.

آغاز عملیات اجرایی مجتمع فرهنگی و مذهبی شهید رئیسی

عملیات اجرایی ساخت مجتمع فرهنگی و مذهبی شهید آیت‌الله‌سید ابراهیم رئیسی با همراهی خیرین و مردم شریف شهرستان سربیشه خراسان جنوبی آغاز شد. این پروژه که سال‌ها پیش توسط شهید خدمت، آیت‌الله‌رئیسی، کلنگ‌زنی شده بود، به دلیل مشکلات اداری معطل مانده بود، اما اینک با محوریت و مشارکت مردم منطقه و پیگیری فعالان جهادی شهرستان دوباره جان تازه‌ای گرفت. براساس مشخصات فنی اعلام‌شده، این مجتمع مذهبی و فرهنگی در زمینی



به مساحت ۱،۵۶۰ مترمربع و با زیربنای ۱،۳۰۰ مترمربع احداث می‌شود. اعتبار پیش‌بینی‌شده برای تکمیل این پروژه حدود ۳۰ میلیارد تومان است که در گام نخست، مبلغ ۷ میلیارد تومان آن با مشارکت مستقیم مردم و خیرین منطقه‌ای تأمین شده است. این مجتمع با همت مردم، مشارکت مسئولین منطقه و به نام و یاد شهید رئیسی (ره) در شهرستان سربیشه که یکی از ۸ منطقه فعالیت‌های جهادی بنیادشهید رئیسی می‌باشد ساخته می‌شود.

یادداشت

مجلس؛ خانه امید مردم در برابر انفعال راهبردی دولت

میلاد آصفری فعال سیاسی

آنچه امروز به عنوان کارنامه اقتصادی دولت بر همگان عیان است، نتیجه تکرار تلخ سناریویی است که هفت سال پیش به روی صحنه رفت و در نهایت، با یک «خسارت محض» به نقطه پایان رسید. اردیبهشت ۱۳۹۷ ماه بود که دونالد ترامپ خروج آمریکا از برجام را اعلام کرد. دولت دوازدهم که تمام تخم‌مرغ‌های سیاست خارجی خود را در سبد مذاکره با آمریکا گذاشته بود، ناگهان خود را در خلأ تصمیم‌گیری دید اما نرخ دلار منتظر او نماند و با رشد پنج برابری جهش بی‌سابقه‌ای را رقم زد. در یک کلام: دولت پیش‌بینی مناسبی از خروج ترامپ نداشت و اقتصاد گرده‌زده به خارج را به ورطه فرسایش کشاند. تورم افسارگسیخته، سفره مردم را کوچک‌تر و سازه اعتماد عمومی به نهاد دولت را به خاک سیاه کشاند و خاطره تلخی از ناکارآمدی روحانی و ظریف در حافظه ملی به یادگار ماند.

اما در همان روزهایی که دولت دوازدهم در باتلاق انفعال اقتصادی دست و پا می‌زد، مجلس یازدهم با تصویب «قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از منافع ملت ایران» گام در مسیری گذاشت که رهبر شهید نیز آن را تأیید کرد و بعدها «نجات از سرگردانی» خواند. این قانون، اهرمی در اختیار مذاکره‌کنندگان برای مقابله با زیاده‌خواهی‌های طرف مقابل به خصوص ایالات متحده بود تا دست خالی در مذاکره را پر کنند و به هر ترتیب که شود، دولت خود را به پایان برسانند.

مع الاسف دولت چهاردهم نیز از روز نخست، ابرپروژه خود را بر مذاکره با آمریکا بنا نهاد. آن زمان که مسعود پزشکیان وعده می‌داد که «می‌خواهم مردم را از تنگنای تحریم‌ها برهانم»، خیال نمی‌کرد که در نیمه دوره خود، این ابرپروژه بلایی بدتر از روحانی بر سر او بیاورد. پزشکی که می‌خواست شهروندان را نجات دهد، خود قربانی مافیایی شد که او را با «سراب مذاکره» فریفته بودند و حالا در جدیدترین مواضع خود اذعان کرده است: «وقتی واشنگتن به آنچه پیش‌تر نوشته و توافق کرده است عمل نمی‌کند، برگزاری جلسات جدید هیچ مشکلی را حل نخواهد کرد». این دقیقاً همان نقطه‌ای است که دولت روحانی به آن رسیده اما به آن اعتراف نکرد تا رئیس‌جمهور دیگری از جماعت خود را گرفتار و سرگردانی دیگری بر کشور تحمیل کند.

اما این سرگردانی چطور برطرف می‌شود؟ همان‌طور که مجلس در دوران انفعال دولت دوازدهم با قانون اقدام راهبردی، کشور را از بن‌بست خارج کرد، امروز نیز همین نهاد است که باید و می‌تواند رسالت تاریخی خود را برای خارج کردن ملت از بن‌بست خودساخته دولت، ایفا کند. بویژه آنکه رهبر معظم انقلاب «کار و ابتکار مضاعف» را اولین ضرورت نقش‌آفرینی نمایندگان در «مقطع کنونی» برشمردند.

نمایندگان، موظف به بن‌بست‌شکنی هستند و مردم نیز چه در خانه و چه در میادین و خیابان، خواسته‌شان معلوم است.

الگوگیری از تجربه موفق مجلس یازدهم، مسیری را برای خروج از انفعال راهبردی بویژه در حوزه سیاست خارجی هموار خواهد کرد. ملت ایران دیگر تحمل «انفعال راهبردی» تحت هیچ عنوانی — چه برجام، چه جنگ، و چه هر بهانه دیگری — را ندارد؛ ملتی که بیش از هفت ماه است، شبانه‌روز از انقلاب و هویت ملی خود با جان و مال و خانواده‌اش دفاع می‌کند، از هیچکس «نشد» و «نمی‌شود» را نخواهد پذیرفت. حالا این «مقطع کنونی»، منتظر است تا قضاوت کند چه کسانی مسئولیت تاریخی خود را درک کرده و براساس آن «اقدام راهبردی» دیگری را به ثمر می‌رسانند.

حامیان دولت با برچسب سیاسی‌کاری و رویکرد انتخاباتی، رویکرد هم‌افزای شهرداری تهران با دولت را به چالش کشیدند

حمله وفاق به طرح «تورم صفر»

پس از کلید خوردن طرح معیشتی بزرگ شهرداری تهران با عنوان «تورم صفر» که با هدف حمایت از معیشت خانوارها در شرایط ویژه اقتصادی کشور انجام شده، جریان‌ات و رسانه‌های حامی دولت با برچسب‌های سیاسی و انتخاباتی علیه علیرضا زاکانی شهرداری تهران حمله بردند. این در حالی است که شخص زاکانی برکمک به دولت در شرایط ویژه کشور تأکید داشته و خود پزشک‌ان نیز بارها از کمک‌های شهرداری تهران به دولت، تقدیر و تمجید کرده‌بود. به‌نظر می‌رسد همزمانی توفیقات پیاپی شهرداری تهران در طرح‌های معیشتی و سازندگی با بن‌بست و رکود ایده‌های دولت چهاردهم، حامیان دولت را مجبور به حمله علیه شهرداری تهران کرده است تا ناکارآمدی قوه مجریه در این بازه زمانی بیش از این به چشم مردم نیاید.

جعفر کاظمی

روزنامه‌نگار

نقشی قابل توجه ایفا کرد و بار بزرگی را از روی دوش دولت برداشت.

با همه اینها، طیفی از حامیان دولت در روزهای اخیر حمله شهرداری تهران و زاکانی را در پیش گرفت. این جریان با ادعای اینکه اقدامات شهرداری

تهران سیاسی و انتخاباتی است، هرگونه اقدام معیشتی و تحول‌آفرین مدیریت شهری را مخدوش کرده و با برچسب‌زنی، علیه رویکرد هم‌افزای زاکانی حمله وارد کرده است. این جریان که در دوره تصدی مدیریت شهری تهران، خود رویکردی سیاسی داشت و تقریباً تمامی پروژه‌های عمرانی پایتخت را به رکود و تعطیلی کشانده بود، حالا در آستانه برگزاری انتخابات شوراها، در مسیر هرگونه اقدام سازنده، به مانع‌تراشی روی آورد. در واکنش به این فضاسازی‌ها، زاکانی شهردار تهران نوشت: به جای سؤال «تورم صفر به شهرداری چه ربطی دارد؟» بپرسیم برای مقابله با محاصره اقتصادی آمریکا علیه مردم ایران چه کرده‌ایم؟ وی افزود: دشمن در موشک و محاصره تقسیم‌کار نمی‌کند؛ ما هم پشت دیوار وظایف پنهان نشویم. امروز هرکس هرچه می‌تواند برای افزایش همبستگی و تاب‌آوری کشور به میدان بیاورد.

مالک شریعتی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی نیز در این‌باره با کنایه به مدعیان وفاق نوشت: زاکانی بدون همراهی پزشک‌ان در اجرای طرح‌های

از هفته گذشته طرح بزرگ شهرداری تهران برای تثبیت قیمت کالاهای اساسی کلید خورد. در این طرح ۱۲ کالا تا شش ماه آینده با قیمت ثابت و پایین‌تر از بازار به دست مصرف‌کننده خواهد رسید. این طرح که با عنوان «تورم صفر» اجرایی شده، در ادامه رویکرد هم‌افزایی شهرداری تهران با دولت چهاردهم در شرایط خطیر کشور تعریف می‌شود. پیش از این شهرداری تهران با رایگان کردن حمل و نقل عمومی و بویژه مترو، سهم بسزایی در کاهش مصرف سوخت و کمک به ناترازی مدیریت انرژی ایفا کرده‌بود. رویکردی که تمجیدهای مکرر رئیس دولت از شهرداری در پی داشت. پزشک‌ان از جمله مردادماه گذشته گفته بود: امروز برادرم آقای زاکانی که در انتخابات رقیب ما بود امروز در دولت با ایشان همکاری می‌کنیم و ایشان خیلی خوب همکاری می‌کند.

خردادماه گذشته نیز عارف معاون اول رئیس‌جمهور گفته بود: اکنون این شهامت آقای شهردار در رایگان کردن خدمات، قابل تقدیر است؛ دستشان درد نکند. اگر ارزیابی شود که این اقدام مفید بوده است، دولت نیز برای همکاری خواهد آمد؛ یعنی بخشی از این هزینه‌ها را ما پرداخت خواهیم کرد. پیش از این و در ماجرای جنگ‌های دوازده و چهل روزه نیز شهرداری تهران با اسکان جنگ‌زدگان در هتل‌های شهرداری و تقبل بازسازی واحدهای مسکونی آسیب‌دیده



تورم صفر و مدیریت انرژی تهران موفق نمی‌شود و دولت هم برای حل مشکلات تهران به کمک شهرداری نیاز دارد. وی افزود: هرکس از تعامل خادمان مردم در شرایط جنگی ناراحت است، در ادعاهای وفاق و مردمی بودن، دروغ‌گوست. حامد یزدیان، نماینده مردم اصفهان در مجلس شورای اسلامی درباره اجرای طرح «تورم صفر» از سوی شهرداری تهران و عرضه ۱۲ قلم کالای اساسی با قیمت ثابت به مدت ۶ ماه در میادین میوه و تره‌بار، گفت: به نظرم گام مثبتی است. پیش از این هم در تهران چنین مواردی را شاهد بوده‌ایم و مجموعه شهرداری‌ها با توجه به امکانات و پتانسیلی که دارند، اگر در زمینه‌های معیشتی مردم نیز ورود پیدا کنند، می‌توانند توفیقات خوبی به دست آورند.

وی اظهار کرد: شهرداری‌ها هم مراجع عرضه مستقیم کالا را دارند و هم یک شبکه پخش و توزیع گسترده‌ای را می‌توانند فراهم کنند و این موضوع خودش می‌تواند بخشی از هزینه‌های تمام‌شده‌ای را که برای رساندن کالا به دست مصرف‌کننده وجود دارد، به صورت قابل توجهی کاهش دهد.

زلزله ارزی در بازار خودرو؛ پرواز نیم میلیاردي قیمت ها در ۲۴ ساعت!



بازار خودرو با یکی از شدیدترین جهش های قیمتی روزانه مواجه شد؛ تلاطمی که تمامی بخش ها، از خودروهای اقتصادی داخلی تا مدل های مونتاژی، را در بر گرفت و ارقام بی سابقه ای را ثبت کرد. دیروز در میان محصولات ایران خودرو، ری را با جهش ۵۰۰ میلیون تومانی به ۴ میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان رسید. پژو ۲۰۷ اتوماتیک رشد ۴۰۰ میلیون تومانی را تجربه کرد و در محدوده ۳.۵ تا ۳.۷ میلیارد تومان قیمت گذاری شد. نسخه پانورامای آن نیز تا مرز ۴ میلیارد تومان پیش رفت.

مدل هایی نظیر دنا پلاس ۶ دنده و سورن پلاس دوگانه سوز با افزایش حدود ۲۳۰ تا ۲۵۰ میلیون تومانی به ترتیب به ۲ میلیارد و ۸۰۰ میلیون و ۲ میلیارد و ۷۵۰ میلیون تومان رسیدند. تارا اتوماتیک ۷۴ و رانا پلاس TU5P نیز رشد ۲۵۰ میلیونی

و نگرانی فروشندگان از هزینه جایگزینی خودرو در آینده، موجب شده تا قیمت ها در بازار به سرعت بالا برود. این جهش در ادامه روندی است که در دو سال گذشته بازار خودرو را با افزایش شدید قیمت ها مواجه کرده است.

البته این افزایش قیمت ها به هیچ وجه نشانه رونق یا افزایش تقاضای واقعی نیست؛ چرا که درآمد خانوارها با این شتاب سرسام آور رشد نکرده است. با این حال بازار خودرو وارد وضعیت رکود تومی شده است؛ از یک طرف ارقام پیشنهادی فروشندگان به اوج مانند عبور ۲۰۷ از ۴ میلیارد یا ری را از ۴.۹ میلیارد تومان رسیده و از سوی دیگر، توان خرید مصرف کنندگان تحلیل رفته و خریداران به سمت گزینه های ارزان تر رانده شده اند یا به کل از خرید بازمانده اند.

داشتند. در محصولات سایپا، شاهین پلاس ۳۵۰ میلیون، پارس نوآ ۳۰۰ میلیون و شاهین اتوماتیک ۲۰۰ میلیون تومان گران شدند. جهش خودروهای اقتصادی نیز قابل توجه بود؛ کوپیک S با افزایش ۲۵۰ میلیون تومانی به ۱ میلیارد و ۲۲۵ میلیون تومان رسید و ساینا S با رشد ۱۰۰ میلیون تومانی، رقم ۱ میلیارد و ۵۶۰ میلیون تومان را ثبت کرد. در بخش مونتاژی ها نیز فیدلیتی الیت تیپ ۲ با رشد سنگین یک میلیارد تومانی به ۷ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان رسید، جک J4 با ۲۵۰ میلیون تومان افزایش به ۳ میلیارد و ۱۵۰ میلیون تومان رسید و تیگو ۸ پرو مکس با رشد ۵۰۰ میلیونی در کانال ۱۰ میلیارد تومان قرار گرفت. عبور قیمت طلا از ۲۶ میلیون تومان و اوج گیری نرخ دلار تا ۲۷۰ هزار تومان، بار دیگر محرک اصلی انتظارات تورمی شد

نوبنیاد گزارش می دهد؛



هادی هدایت زاده

روزنامه نگار

فرار همتی در روزهای جهش دلار

اقتصاد ایران این روزها در وضعیت عجیبی به سر می برد؛ وضعیتی که گویی سکان داران آن در دولت چهاردهم، بیش از آنکه نگران تورم، سفره های خالی مردم و تلاطم های بی سابقه بازار ارز باشند، درگیر «تأثیری خیالی» و «پاس کاری مسئولیت ها» هستند. در حالی که نرخ دلار در بازار آزاد، قله های قیمتی جدیدی را فتح کرده است.

دست و پنجه نرم می کند و دشمن با تمام قوا به دنبال فروپاشی اقتصادی است، اتخاذ چنین تصمیمی جز رانت افزایی و توزیع ناعادلانه منابع چه معنایی دارد؟ کوچک زاده خطاب به رئیس مجلس گفت: «شما خودتان واقفید که در حال حاضر یکی از چالش های اساسی کشور کمبود منابع ارزی است؛ حال جای سؤال دارد که در چنین شرایطی چرا این گونه اقدامات و تصمیمات در دستور کار قرار می گیرد؟» او بیان کرد: «باید شفاف و مشخص شود که چه کسانی توانایی خرید این ۱۰ هزار دلار را دارند؟ قاطبه مردمی که یارانه دریافت می کنند، اگر چنین مبالغی (حدود دوونیم میلیارد تومان) نقدینگی در اختیار داشته باشند که صرف خرید ۱۰ هزار دلار کنند، یارانه شان قطع خواهد شد؛ بنابراین عموم مردم توان یا قصد ورود به این مسئله را ندارند. پس چه کسانی غیر از خود این افراد، هم رانان، لالان و رانت خواران توانایی خرید چنین حجم ارزی را دارند؟»

محمد باقر قالیباف، رئیس مجلس، نیز در پاسخ به تذکر کوچک زاده گفت: «آقای کوچک زاده! خود من هم وقتی از طریق رسانه ها از این موضوع مطلع شدم، واقعا برام جای تعجب داشت که به چه دلیل و با چه منطقی چنین تصمیمی اتخاذ شده است. مطمئن باشید مجلس از پیگیری این مطالبات کوتاه نخواهد آمد.»

اقتصاد صلح در میدان جنگ

داود منظور، رئیس سازمان برنامه و بودجه در دولت شهید رئیسی، می گوید: افزایش اخیر نرخ دلار در بازار آزاد را نباید صرفاً یک رکورد تازه در بازار متلاطم ارز تلقی کرد. اهمیت این اتفاق در سرعت کاهش ارزش ریال، استمرار روند صعودی ارز و شکل گیری انتظاری که طرفه دربارۀ آینده آن است. در شرایطی که فشارهای بیرونی بر شبکه های درآمدی و مالی کشور تشدید شده و بازار ارز به میدان اصلی رویارویی اقتصادی تبدیل شده است، به نظر می رسد هنوز نظام مالی و سیستم اقتصادی کشور آن گونه که در شرایط جنگی و تحریمی لازم است، بازاریابی و آماده نشده و سیاست های اقتصاد مقاومتی نیز در عمل به صورت جدی و همه جانبه پیاده نشده است.

این گزارش، نه از سر تخریب، که از سردلسوزی برای کشوری است که با فشارهای بی سابقه ای روبه روست. دولت پزشک یان باید بداند که «ماه عسل» نقد گذشتگان تمام شده است. امروز، مردم در بازارها پاسخ سیاست های شما را می دهند. قیمت ۲۷۰ هزار تومانی دلار، نتیجه ی مستقیم سیاست های دولتی است که برنامه مدونی ندارد.

فرار همتی از مسجد نور

اتفاق دیروز در حاشیه مراسم ختم خواهر وزیر امور خارجه، بیش از آنکه یک اتفاق ساده حاشیه ای باشد، یک «کد» مهم برای فهم وضعیت امروز اقتصاد ایران بود. حضور عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی در این مراسم و مواجهه او با خبرنگاران، به جای آنکه فرصتی برای ارائه گزارش و پاسخگویی باشد، به صحنه ای برای «فرار» بدل شد. رئیس کل بانک مرکزی در حالی که بازار ارز در التهای نفس گیر غرق شده و مردم با نگرانی سقوط ارزش دارایی های خود را نظاره می کنند، بدون آنکه حتی کلامی از سیاست های ارزی دولت بر زبان بیاورد، از میان خبرنگاران گریخت. این سکوت همراه با فرار، پیام بسیار خطرناکی برای بازار دارد؛ یعنی متولی اصلی پول ملی، نه پاسخی دارد و نه راهکاری. وقتی کسی که باید فرمانده عملیات ثبات بخشی به اقتصاد باشد، از پرسش های خبرنگاران هراس دارد، بازار چگونه می تواند به سیاست های او اعتماد کند؟

مدنی زاده: از همتی بپرسید!

اما اوج فاجعه تنها در رفتار رئیس کل بانک مرکزی نیست؛ بلکه در آشفتنی مدیریتی میان ارکان نیم اقتصادی دولت پزشک یان نهفته است. در حالی که مردم انتظار دارند تیم اقتصادی دولت چهاردهم، صدای واحد و راهبردی منسجم برای مدیریت بحران داشته باشد، شاهد پاس کاری مسئولیت ها هستیم. روز گذشته، در حالی که سید علی مدنی زاده، وزیر اقتصاد دولت، از برنامه های دولت سخن می گفت و مدعی بود که کسری بودجه پوشش داده شده و منابع ارزی خوب است، وقتی با سؤال صریح خبرنگاران درباره وضعیت نابسامان ارز مواجه شد، به سادگی و با فرافکنی گفت: «از آقای همتی بپرسید!» وقتی وزیر اقتصاد به عنوان متولی اصلی سیاست گذاری مالی کشور، پاسخگویی درباره نرخ ارز را به بانک مرکزی حواله می دهد، یعنی هماهنگی در دولت عملاً وجود ندارد. بدتر از این ناهماهنگی، تصمیمات عجیبی است که به نام حمایت از مردم، تیر خلاصی بر پیکره ریال می زند.

وقتی رئیس مجلس شو که شد

موضوع فروش ۱۰ هزار دلار به هر فرد بالای ۱۸ سال که این روزها حاشیه ساز شده و روز گذشته نیز گزارشی مفصل در روزنامه «نوبنیاد» در این مورد منتشر شد، به صحن مجلس نیز کشیده شد. مهدی کوچک زاده، نماینده مردم تهران در مجلس، دیروز گفت: در شرایطی که کشور با محدودیت منابع ارزی

بازار ارز در روزهای اخیر بار دیگر به نقطه ای رسیده که دیگر نمی توان آن را صرفاً یک نوسان معمولی بازار نامید. دلار در معاملات آزاد تا محدوده ۲۷۲ هزار تومان بالا رفت؛ هرچند در ادامه نرخ به محدوده ۲۶۶ هزار تومان برگشت. همین بازگشت سریع البته خود نشانه ای از کم عمقی بازار و نقش پررنگ انتظارات در قیمت گذاری است.

عبدالناصر همتی از ۱۰ دی ۱۴۰۴ ریاست بانک مرکزی را بر عهده گرفت. او همان زمان وعده اصلاح ساختار بازار ارز، کاهش چند نرخ ی بودن، مدیریت نوسانات و حرکت به سمت یک بازار منسجم تر را داد و از ایجاد ثبات در بازار ارز خبر داد. اکنون دلار که در آن زمان حدود ۱۳۷ هزار تومان بود به حوالی ۲۷۰ هزار تومان رسیده است. همتی اساساً با سیاست تثبیت زاویه داشت و دارد. نگاه او این است که نباید نرخ را مدیریت کرد. نسخه او، حرکت به سمت نزدیک کردن نرخ ها به بازار آزاد بود که امروز نتایج آن را در اقتصاد ایران می بینیم. همتی در شهر پیروماه امسال گفت: «بانک مرکزی در برابر نوسانات بازار تماشاگر نخواهد بود» و تأکید کرد: «بانک مرکزی هر جا نرخ ها و واقعیت های بنیادی فاصله بگیرند، به موقع و با قدرت مداخله خواهد کرد.» او گفت: «ذخایر بانک مرکزی تقویت شده و منابع موجود برای پوشش نیازهای تجاری کفایت دارد.» اما چند هفته بعد، دلار به عنوان شاخص بازار غیر رسمی ارز به محدوده ۲۷۰ هزار تومان رسید. اما شاید عجیب ترین تصمیم روزهای اخیر بانک مرکزی، افزایش سقف فروش ارز به افراد بالای ۱۸ سال تا ۱۰ هزار دلار باشد.

بانک مرکزی اعلام کرده در چارچوب برنامه عرضه ارز، امکان عرضه ۲ میلیارد دلار را در نظر گرفته و در مرحله نخست یک میلیارد دلار از طریق بانک ها و صرافی های بانکی عرضه می شود. افراد بالای ۱۸ سال نیز می توانند تا سقف ۱۰ هزار دلار خرید کنند. کسی که قرار است ۱۰ هزار دلار بخرد، با نرخ حدود ۲۵۷ هزار تومان باید بیش از ۲.۵ میلیارد تومان نقدینگی داشته باشد؛ یعنی سیاستی که روی کاغذ «برای همه ایرانیان بالای ۱۸ سال» است، در عمل مخاطب بسیار محدودی دارد؛ زیرا اکثریت مردم چنین نقدینگی ای در اختیار ندارند.

موج خبر

۸ میلیارد دلار پشت حساب های تراستی مانده است

دیوان محاسبات کشور از باقی ماندن ۷.۹ میلیارد دلار از عواید ارزی حاصل از صادرات در حساب های کارگزاری، تراستی و پوششی مرتبط با ۱۸ بانک عامل داخلی خبر داد و اعلام کرد: تأخیر در دسترسی به این منابع، موجب شده حدود ۸۵ درصد حجم معاملات مرکز مبادله ارز و طلای ایران از ابتدای تأسیس تا مردادماه سال جاری، با تأخیر زمانی میان بانک ها تسویه شود. این نهاد نظارتی اعلام کرده تأخیر در دسترسی به این منابع، زمینه تأخیر در کارسازی وجوه برای ذی نفع نهایی واردات را فراهم کرده است. بنابر گزارش دیوان محاسبات و بر اساس بخشنامه های بانک مرکزی، مدت زمان مشخصی برای تسویه بانک ها با یکدیگر در مرکز مبادله تعیین شده، اما بررسی حجم معاملات نشان می دهد حدود ۸۵ درصد تسویه بانک ها در مهلت مقرر انجام نشده است.

بر اساس این گزارش، چنین وضعیتی می تواند برنامه ریزی منابع و مصارف ارزی و همچنین فرایند تأمین مالی واردات را با اختلال مواجه کند. دیوان محاسبات تأکید کرده است که استمرار این وضعیت مانع گردش بهینه منابع ارزی خواهد شد. طبق گزارش این نهاد نظارتی، ضعف در سازوکارهای رهگیری و نظارت بانک مرکزی بر جریان منابع ارزی را مورد توجه قرار داده است. این موضوع با تکلیف مقرر در جزء یک بند «الف» ماده ۱۱ قانون برنامه هفتم پیشرفت و قانون بانک مرکزی مرتبط است. مطابق گزارش دیوان محاسبات، بر اساس قانون برنامه هفتم، دستگاه های اجرایی، مؤسسات اعتباری، صرافی ها و صادرکنندگان مکلف اند اطلاعات مربوط به دارایی های ارزی و جریان درآمد ارزی تحت مالکیت خود را طبق ضوابط بانک مرکزی در اختیار این بانک قرار دهند.

همچنین عرضه ارز در اختیار این مجموعه ها باید با هماهنگی بانک مرکزی انجام شود. بر اساس گزارش این نهاد نظارتی، شیوه نامه اجرایی این حکم در ۱۳۰ دیبیهشت ۱۴۰۴ به تصویب کمیسیون ارز بانک مرکزی رسیده و در ۸ تیرماه همان سال در روزنامه رسمی منتشر شده، اما با وجود گذشت بیش از یک سال از تصویب و ابلاغ قانون، اهداف مورد نظر قانون گذار در این زمینه به طور کامل محقق نشده است. در همین زمینه، دیوان محاسبات موضوع را به دادسرا ارسال و آنچه را «ترک فعل بانک مرکزی» عنوان کرده، پیگیری قضایی کرده است. از سوی دیگر، فارس نیز در گزارشی با اشاره به امکان استفاده بیشتر از شبکه بانکی روسیه، نوشت: بانک مرکزی بیش از ۳ میلیارد دلار منابع ارزی در بانک های روسی نگهداری کرده و انتقال ۱.۵ میلیارد دلار از این منابع نیز انجام شده است. بانک های روسی بابت منابع ارزی بانک مرکزی ۱۶ درصد سود پرداخت می کنند.

نوبنیاد از اقتصاد رهاشده گزارش می‌دهد؛

زنگ هشدار درباره وضعیت «بی‌دولتی»

جهش‌های بی‌دری و شتابان قیمت ارز و طلا در روزهای اخیر، بیش از آنکه صرفاً یک نوسان مقطعی در بازارهای مالی باشد، نمادی آشکار از تعمیق انتظارات تورمی و شکل‌گیری وضعیتی شبیه به «بی‌دولتی» در مدیریت اقتصادی کشور است. در شرایطی که سیاست‌های ناهماهنگ و آزادسازی‌های بی‌ضابطه قیمت‌ها، نقدینگی

سرگردان را از شریان‌های تولید به سمت بازارهای غیرمولد و سوداگرانه سوق داده، اقتصاد در غیاب یک اتاق فرماندهی واحد و منسجم رها شده است. تداوم این انفعال سیاستی و فقدان استراتژی مشخص، فعالان اقتصادی را با نااطمینانی شدید روبه‌رو کرده و اقتصاد را در برابر تکانه‌های ارزی بی‌دفاع گذاشته است.



نیماسهیلی

روزنامه‌نگار

قیمت طلا، سکه و ارز دوباره نقل محافل عمومی شده است. در اتوبوس، تاکسی، مترو و اماکن عمومی دیگر، همه از افزایش قیمت طلا و ارز سخن می‌گویند. نکته قابل توجه اینجاست که علاوه بر انتقاد اغلب مردم از افزایش نرخ ارز، انتظارات تورمی «نشان می‌دهد که جامعه منتظر قیمت‌های جدیدتر نیز هست. این موضوع نشان می‌دهد که دولت یا اقتصاد را رها کرده تا بتواند سیاست‌های آزادسازی قیمت خود را پیش ببرد و یا اینکه عملاً در پی اجرای این سیاست است؛ اما نتیجه این اقدامات، بیانگر نوعی «بی‌دولتی» در اقتصاد است. در شرایطی که قیمت طلا و ارز به صورت روزانه افزایش می‌یابد، اقتصاد با دو مسئله هم‌زمان مواجه است: از یک سو، رشد قیمت دارایی‌ها انتظارات تورمی را تشدید می‌کند و از سوی دیگر، نقدینگی به جای ورود به فعالیت‌های مولد، به سمت بازارهایی حرکت می‌کند که بازدهی آن‌ها از نگاه مردم، سریع‌تر و کم‌ریسک‌تر به نظر می‌رسد. نتیجه این روند، تضعیف تولید و دشوارتر شدن برنامه‌ریزی برای فعالان اقتصادی است. افزایش مداوم قیمت طلا و ارز صرفاً یک اتفاق در بازار دارایی‌ها نیست؛ زمانی که مردم هر روز شاهد بالا رفتن قیمت این دارایی‌ها هستند، انتظار افزایش قیمت سایر کالاها و خدمات نیز تقویت می‌شود. در چنین شرایطی، بخشی از خانوارها و صاحبان سرمایه ترجیح می‌دهند پیش از کاهش بیشتر ارزش پول، منابع خود را به طلا، ارز و سایر دارایی‌ها تبدیل کنند. این رفتار، خود می‌تواند به افزایش تقاضا در بازار دارایی‌ها و تشدید انتظارات تورمی منجر شود.

نقدینگی در مسیر تولید نیست

اقتصاد برای رشد به نقدینگی نیاز دارد، اما مهم‌تر از حجم نقدینگی، مسیر حرکت آن است. نقدینگی زمانی به رشد اقتصادی کمک می‌کند که به سمت سرمایه‌گذاری، توسعه بنگاه‌ها، خرید ماشین‌آلات، افزایش ظرفیت تولید و ایجاد اشتغال حرکت کند. در مقابل، وقتی بخش قابل توجهی از منابع به سمت خرید طلا و ارز می‌رود، عملاً سرمایه از چرخه تولید فاصله می‌گیرد. در شرایط فعلی، برای یک سرمایه‌گذار، مقایسه میان تولید و بازار دارایی‌ها دشوار نیست. تولیدکننده با هزینه مواد اولیه، دستمزد، انرژی، مالیات، تأمین مالی، نوسانات نرخ

ارز و محدودیت‌های تجاری مواجه است و در نهایت باید محصول خود را در بازاری عرضه کند که قدرت خرید مصرف‌کننده نیز در آن تحت فشار قرار دارد. در مقابل، خرید طلا یا ارز برای بسیاری از افراد به ابزاری برای حفظ ارزش پول تبدیل شده است؛ ابزاری که نقدشوندگی بالایی دارد و در کوتاه‌مدت نیازمند درگیری با مشکلات تولید نیست. اگر این وضعیت ادامه یابد، پیام مهمی به همراه دارد: اگر بازدهی فعالیت‌های غیرمولد از فعالیت‌های مولد جذاب‌تر شود، نمی‌توان انتظار داشت سرمایه‌ها به سمت تولید حرکت کنند. در واقع، دولت اکنون با سیاست‌هایی که اجرا کرده، باعث بروز چنین مشکلاتی شده و تقاضا را تحریک کرده است.

دولت؛ فرمانده میدان یا تماشاگر بازار؟

مسئله دیگری که در این میان اهمیت دارد، نحوه سیاست‌گذاری اقتصادی دولت است. در شرایطی که بخش قابل توجهی از اقتصاد همچنان در اختیار دولت، شرکت‌های دولتی و نهادهای وابسته به آن است، اتخاذ سیاست آزادسازی قیمت‌ها بدون آنکه سایر اجزای سیاست اقتصادی متناسب با آن اصلاح شود، می‌تواند فشار بیشتری بر تولیدکننده وارد کند. آزادسازی قیمت در یک اقتصاد زمانی می‌تواند به افزایش بهره‌وری و تخصیص بهتر منابع منجر شود که الزامات آن نیز فراهم باشد؛ یعنی رقابت واقعی وجود داشته باشد، انحصارها کاهش یابند، بازارها شفاف باشند، سیاست ارزی ثبات داشته باشد و دولت بتواند در حوزه‌های تحت اختیار خود، سیاستی هماهنگ و قابل پیش‌بینی اعمال کند. در غیر این صورت، اگر دولت از یک سو قیمت‌ها را آزاد کند اما از سوی دیگر همچنان در قیمت‌گذاری، تخصیص منابع، نرخ‌های انرژی، ارز، مالیات، تجارت و تأمین مالی نقش تعیین‌کننده داشته باشد، بنگاه اقتصادی با مجموعه‌ای از سیاست‌های متناقض مواجه خواهد شد.

کشورهای جهان در جنگ اقتصادی

در شرایط جنگی همیشه یک «اتاق جنگ» و «اتاق فرماندهی» تشکیل می‌شود تا در صورت حمله دشمن، سربازان آگاه باشند و دستورات را از کدام سو دریافت کنند؛ حتی دستورات نیاز از پیش ابلاغ می‌شود تا مشکلی در دفاع پیش نیاید. در اقتصاد نیز شاهد همین وضعیت هستیم. در جهانی که کشورهای مختلف (مانند آمریکا و چین) درگیر جنگ اقتصادی هستند، یکی از مشکلات اساسی اقتصاد در چنین شرایطی،

نبود یک فرماندهی منسجم اقتصادی است. سیاست‌های ارزی، پولی، مالی، تجاری، صنعتی و انرژی نمی‌توانند جدا از یکدیگر اجرا شوند. تصمیمی که در یک بخش با هدف کنترل بازار گرفته می‌شود، ممکن است در بخش دیگر هزینه‌ای برای تولید ایجاد کند. برای مثال، افزایش هزینه‌های تولید در شرایطی که بازار ارز نیز بی‌ثبات است، به معنای افزایش نااطمینانی بنگاه‌هاست. تولیدکننده نمی‌داند هزینه تولید در ماه آینده چه میزان خواهد بود و در نتیجه نمی‌تواند درباره سرمایه‌گذاری، استخدام، خرید مواد اولیه و قیمت محصول خود با اطمینان تصمیم بگیرد. همین نااطمینانی، انگیزه سرمایه‌گذاری بلندمدت را کاهش می‌دهد. اقتصاد به تصمیم‌های اساسی نیاز دارد، اما این تصمیم‌ها باید در یک نقشه واحد قرار بگیرند. تصمیمات جزیره‌ای، حتی اگر هر کدام به تنهایی با یک هدف اقتصادی اتخاذ شده باشند، در مجموع می‌توانند نتیجه‌ای متضاد ایجاد کنند. آنچه اکنون شاهد هستیم، بی‌دولتی و نبود فرماندهی در اقتصاد است.

هزینه بی‌ثباتی را مردم و تولید می‌پردازد

تداوم رشد قیمت بازارهای غیرمولد مانند طلا و ارز و افزایش انتظارات تورمی، تنها مسئله صاحبان سرمایه نیست. تولیدکننده نیز مستقیماً از این وضعیت آسیب می‌بیند. افزایش قیمت نهاده‌ها، دشواری تأمین سرمایه در گردش، کاهش قدرت خرید مصرف‌کننده (مردم) و افزایش نااطمینانی، هزینه تولید را بالا می‌برد و افق تصمیم‌گیری بنگاه‌ها را کوتاه می‌کند. اگر قرار است نقدینگی به جای بازارهای غیرمولد به سمت تولید حرکت کند، صرف توصیه به سرمایه‌گذاری کافی نیست. دولت باید محیطی ایجاد کند که بازدهی تولید، ریسک‌پذیری آن را توجیه کند. ثبات در سیاست‌گذاری، هماهنگی میان دستگاه‌های اقتصادی، کنترل عوامل ایجادکننده تورم، کاهش ریسک سرمایه‌گذاری و تعیین تکلیف رابطه دولت با اقتصاد، پیش‌شرط چنین تغییری است. در غیر این صورت، هرچه فاصله میان بازدهی مورد انتظار تولید و بازار طلا و ارز بیشتر شود، طبیعی است که سرمایه‌گذار میسر کم‌در دسترس‌تر را انتخاب کند. مسئله امروز اقتصاد فقط افزایش قیمت طلا و ارز نیست؛ مسئله اصلی این است که چار سرمایه‌ای که باید موتور تولید باشد، انگیزه‌ای برای ماندن در تولید ندارد.

اقتصاد ایران

در تله روزمرگی

آنچه این روزها بر اقتصاد ایران می‌گذرد، فراتر از تکانه‌های مقطعی بازار ارز و طلاست؛ ما با بحرانی ساختاری به نام غیبت برنامه و بی‌اقدامی سیاستی مواجهیم. تصمیم‌گیری‌های اقتصادی دولت به جای حرکت بر مداری مشخص، به واکنش‌هایی انفعالی و روزمره در برابر التهابات بازار تقلیل یافته است. اجرای تکه‌تکه و ناهماهنگ سیاست‌هایی چون آزادسازی قیمت‌ها، بدون در نظر گرفتن ثبات ارزی و بسترهای رقابتی، نه تنها گرهی از مشکلات نگشوده، بلکه سیگنال نااطمینانی را به کل جامعه مخابره کرده است. اقتصاد با گرفتاردرمانی، توصیه‌های اخلاقی و نظاره‌گری هدایت نمی‌شود. استمرار این بی‌برنامگی، فعالان اقتصادی را از سرمایه‌گذاری بلندمدت ناامید می‌کند. اگر دولت سریعاً نسبت خود را با اقتصاد بازتعریف نکند و یک نقشه راه منسجم و شفاف برای مهار انتظارات تورمی ارائه ندهد، تعمیق رکود تورمی و فرسایش بنیان‌های تولید، پیامد اجتناب‌ناپذیر این بی‌دولتی خواهد بود.

تالار شیشه‌ای

سرخ‌پوشی بازار سهام زیر فشار فروشندگان

معاملات بازار سهام در دومین روز هفته (دیروز، یکشنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۵) در حالی آغاز شد که بخش قابل توجهی از نمادها در محدوده منفی قرار داشتند. در دقایق نخست، ۵۳ درصد از نمادهای بازار با افت قیمت مواجه شدند و فشار فروشندگان بر بازار حاکم بود. با این حال، افزایش تقاضا در ادامه باعث شد بخشی از افت اولیه شاخص کل بورس جبران شود و تعدادی از نمادها به محدوده تعادل بازگردند. این بهبود اما دوام چندانی نداشت و در یک ساعت پایانی دادوستدها، موج تازه‌ای از عرضه شکل گرفت و بازار بار دیگر به سمت محدوده منفی حرکت کرد. سرانه خرید ۸۷ میلیون تومان در مقابل سرانه فروش ۱۱۹ میلیون تومان قرار گرفت و قدرت خرید به منفی ۱.۳۸ رسید؛ ارقامی که برتری نسبی فروشندگان در سمت نقدینگی را تأیید می‌کند. شاخص کل بورس با افت ۲۴ هزار و ۷۹۰ واحدی، ۰.۳۲ درصد در ارتقا ۷ میلیون و ۷۸۳ هزار و ۲۷۹ واحد ایستاد. شاخص کل هم‌وزن نیز با کاهش ۵ هزار و ۴۵۳ واحدی (۰.۲۶ درصد) به ۲ میلیون و ۶۳ هزار و ۲۶۸ واحد رسید. شاخص کل فرابورس ایران نیز با ۲۴۹ واحد افت (۰.۰۴ درصد) در محدوده ۶۱ هزار و ۷۹۶ واحد قرار گرفت. به این ترتیب، هر سه نماگر اصلی بازار در فضایی منفی و همراه با افزایش احتیاط معامله‌گران به کار خود پایان دادند. ارزش معاملات خرد سهام و صندوق‌های سهامی به ۵۱ هزار و ۳۳۹ میلیارد تومان رسید؛ رقمی که نشان می‌دهد با وجود افت شاخص‌ها، گردش نقدینگی در بازار همچنان قابل توجه بوده است. مجموع ارزش معاملات بورس و فرابورس نیز حدود ۷۸ هزار میلیارد تومان ثبت شد و ارزش کل بازارهای سهام در محدوده ۲۶ هزار و ۶۶۵ هزار میلیارد تومان باقی ماند.

دیروز همچنین حدود ۸۲۰ میلیارد تومان پول توسط حقیقی‌ها از چرخه سهام و صندوق‌های سهامی خارج شد. البته بیشترین ورود پول به گروه سرمایه‌گذاری، فلزات گرانبهای غیرآهن و خودرو اختصاص داشت. همچنین خروج پول از صندوق‌های درآمد ثابت به حدود ۱۳۴۸ میلیارد تومان رسید.

تصویر پایانی بازار نیز از تشدید عرضه حکایت داشت. در پایان، ۵۳۰ نماد منفی و ۳۳۳ نماد مثبت بودند. از میان نمادهای منفی، ۳۳۰ نماد در صف فروش قرار گرفتند و در سوی مقابل ۱۷۵ نماد با صف خرید به کار خود پایان دادند. همچنین ۳۲۷ صف فروش در برابر ۱۷۲ صف خرید شکل گرفت. با این حال، ثبت رشد شاخص ۱۸ صنعت و جابه‌جایی سقف تاریخی توسط شاخص ۱۲ صنعت نشان می‌دهد فشار فروش به شکل یکپارچه بر تمام بخش‌های بازار حاکم نبوده است. در میان صنایع مثبت نیز زغال‌سنگ بیشترین رشد روزانه را ثبت کرد.

علیرضا محمدی زیوه، کارشناس بازار سرمایه می‌گوید: روند صعودی شاخص کل همچنان برقرار است، اما نبود سطوح حمایتی و مقاومتی مستحکم در محدوده‌های فعلی باعث شده حرکت بازار به سمت قله‌های جدید با احتیاط بیشتری دنبال شود. او محدوده ۶ میلیون و ۸۰۰ هزار تا ۷ میلیون و ۲۰۰ هزار واحد را محدوده حمایتی برای شاخص می‌داند. او برای معاملات امروز (دوشنبه)، فضای نسبتاً متعادل و نوعی استراحت موقت شاخص را محتمل می‌داند. به اعتقاد این کارشناس، تحولات سیاسی، نوسانات نرخ ارز و اخبار مرتبط با صنایع پالایشی می‌تواند انتظارات معامله‌گران را در کوتاه‌مدت تغییر دهد. در عین حال، صنایع منتفع از انتظارات تورمی همچنان مورد توجه سرمایه‌گذاران قرار دارند. بنابراین، معاملات روز جاری می‌تواند تحت تأثیر هم‌زمان عوامل تکنیکال، جریان نقدینگی و اخبار اقتصادی و سیاسی قرار گیرد و در صورت تغییر معنادار متغیرهای اثرگذار، مسیر بازار نیز می‌تواند دستخوش تغییر شود.

یادداشت

موج جنگ در اردوگاه انتخاباتی جمهوری خواهان

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

کمتر از یک ماه مانده به انتخابات میان دوره‌ای آمریکا، آنچه امروز در نقشه انتخاباتی آمریکا در حال رخ دادن است، نشانه‌ای از بازگشت هزینه جنگ به داخل آمریکاست. دولت ترامپ جنگ با ایران را با این تصور آغاز کرد که می‌تواند جمهوری اسلامی را در مدت کوتاهی تحت فشار قرار دهد و با یک عملیات سریع، همان‌الگویی را تکرار کند که واشنگتن درباره ونزوئلا به آن افتخار می‌کند. یعنی کشوری را تحت فشار قرار دهد، منابعش را هدف بگیرد و تصور کند ساختار سیاسی آن به سرعت فرو می‌ریزد اما ایران ونزوئلا نبود.

ایران نه یک کشور منزوی و فاقد ظرفیت پاسخ، بلکه کشوری بزرگ، دارای عمق راهبردی، توان موشکی و شبکه‌ای از متحدان منطقه‌ای است. نتیجه همین محاسبه غلط، جنگی شد که هزینه آن خیلی زود از پنتاگون به پمپ بنزین، فروشگاه و آشپزخانه آمریکایی‌ها منتقل شد.

اکنون جمهوری خواهان باید بهای این محاسبه را در انتخابات میان دوره‌ای بپردازند. براساس گزارش رویترز، دموکرات‌ها در ۱۰ ایالتی که ترامپ در انتخابات ۲۰۲۴ با اختلاف دورقمی پیروز شده بود، به رقابتی جدی با جمهوری خواهان رسیده‌اند. آلاسکا، تگزاس، اوهایو، آیووا و کانزاس تنها بخشی از این فهرست هستند. ایالت‌هایی که اساساً قرار نبود میدان نبرد دموکرات‌ها برای تصاحب کرسی سنا باشند.

رویتز نیز با اشاره به همین وضعیت گزارش داده است که جمهوری خواهان اکنون مجبورند در مناطقی از کشور دفاع کنند که پیش از این تقریباً برای آنان تضمین شده محسوب می‌شد. ترامپ در انتخابات ۲۰۲۴ تگزاس را با ۱۴ درصد، اوهایو را با ۱۱ درصد و نبراسکا را با ۲۱ درصد اختلاف برده بود اما اکنون همین مناطق در نقشه انتخاباتی وارد محدوده رقابت شده‌اند.

جنگ با ایران و تعرفه‌های تجاری، فشار قیمتی را افزایش داده‌اند و موضوع هزینه زندگی به یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های رأی‌دهندگان تبدیل شده است. حتی جمهوری خواهان نیز دیگر نمی‌توانند این مسئله را نادیده بگیرند. سناتور جمهوری خواه سیندی هاید-اسمیت صراحتاً گفته است که قیمت سوخت مهم‌ترین مسئله رأی‌دهندگان حوزه انتخابیه اوست و تأکید کرده که افزایش قیمت سوخت را خودش نیز هنگام پر کردن پاک‌خودرو احساس می‌کند.

برای رأی‌دهنده آمریکایی، جنگ وقتی معنا پیدا می‌کند که قبض انرژي، قیمت بنزین، هزینه حمل‌ونقل و قیمت مواد غذایی را بالا ببرد. از همین روست که محبوبیت ترامپ نیز به شدت آسیب دیده است. طبق نظرسنجی رویترز، میزان رضایت از عملکرد او به ۳۲ درصد سقوط کرده. رقمی که رویترز آن را پایین‌ترین سطح دوره ریاست جمهوری او توصیف کرده است. در پنج ایالت قرمز مورد بررسی نیز رضایت از عملکرد ترامپ حدود ۴۰ درصد و نگاه نامطلوب به او ۵۷ درصد گزارش شده است.

جنگی که قرار بود ایران را ز پا درآورد، حالا دارد پایگاه رأی حزب جمهوری خواه را هدف می‌گیرد و اگر این روند ادامه پیدا کند، انتخابات میان دوره‌ای می‌تواند نخستین صورت حساب سیاسی جدی جنگی باشد.

مروری بر نقض تعهدات آمریکا در تفاهم نامه اسلام آباد

شکست تفاهم نامه اسلام آباد بخاطر اقدام ایران بود یا امریکا؟

تفاهم‌نامه‌ای که به اصطلاح سند شکست آمریکا در برابر ایران معرفی می‌شود، بار دیگر نقل برخی محافل غرب‌زده و اصلاحات شده است. این بار با این ادعا که ایران با نقض تفاهم‌نامه، زمینه خروج آمریکا را فراهم کرد. حال آنکه فارغ از نادرستی این روایت، برخی افراد مسئول در دولت برای کشاندن آمریکا به میز مذاکره چنان اصرار می‌ورزند که گویی این طرف ایرانی بوده است که به عهد خود وفا نکرده است و باعث نقض تفاهم نامه اسلام آباد شده است!

عقلایی، به جای پرسیدن از آمریکا که چرا تعهداتش را اجرا نکرد، تمام مسئله را به رفتار ایران گره می‌زنند.

این موضع اشتباه و لکنت زبان در متهم کردن آمریکا حتی در پاسخ رئیس‌جمهور به یک خبرنگار آمریکایی نیز خود را نشان داد. زمانی که در برابر این پرسش که آیا ارتش و سپاه تفاهم‌نامه را نقض کرده‌اند، پاسخ داده شد که ایران همچنان به تفاهم‌نامه پایبند است!

اتفاقاً بند ۱۳ تفاهم‌نامه نیز دقیقاً اهمیت همین مسئله را نشان می‌دهد. در این بند تصریح شده بود که آغاز مذاکرات درباره سایر بندهای توافق نهایی، منوط به آغاز و استمرار اجرای بندهای ۴، ۵، ۱۰ و ۱۱ است. یعنی حتی خود متن نیز پذیرفته بود که اجرای تعهدات کلیدی آمریکا باید پیش از حرکت به سمت توافق نهایی آغاز شود.

آمریکا برای امتیاز دادن نیامده بود

آمریکا اگر واقعاً قصد داشت با ایران به یک معامله متوازن برسد، اساساً چه نیازی داشت جنگ را آغاز کند، هزینه نظامی بدهد و بعد در آتش جنگ به دنبال همان امتیازاتی باشد که می‌توانست پیش از جنگ با هزینه بسیار کمتر مطالبه کند؟ اگر آمریکا واقعاً حاضر بود همه آن امتیازات را بدهد، چرا پیش از جنگ چنین نکرد؟

از این زاویه، یک واقعیت مهم نباید فراموش شود: تفاهم اسلام‌آباد بیش از آنکه یک پیروزی قطعی دیپلماتیک باشد، یک آزمون بود. آزمونی برای اینکه مشخص شود آمریکا تا چه اندازه حاضر است تعهدات مکتوب خود را اجرا کند.

و پاسخ این آزمون که از پیش هم روشن بود این شد که آمریکا نه ۳۰۰ میلیارد دلار را به ایران پرداخت یا سرمایه‌گذاری کرد و نه تحریم‌ها را برداشت. دارایی‌های ایران نیز به‌طور کامل آزاد نشد. محاصره دریایی نیز مطابق وعده‌ای که در متن آمده بود، به نتیجه پایدار نرسید. حتی اجرای آتش‌بس در لبنان نیز از همان ابتدا با مشکل مواجه شد.

پس مسئله این نیست که چرا ایران برای حفظ تفاهم تلاش نکرد. مسئله این است که چرا عده‌ای می‌خواهند هزینه بی‌تعهدی آمریکا را از جیب ایران حساب کنند؟

اگر تفاهم اسلام‌آباد واقعاً سند شکست آمریکا بود، باید دست‌کم یک بند کلیدی آن به شکل روشن و قابل اندازه‌گیری به نفع ایران اجرا می‌شد.

تفاهم اسلام‌آباد را نمی‌توان صرفاً با عنوان سند شکست آمریکا یا با روایت مقابل، یعنی سندی که ایران آن را نقض کرد ارزیابی کرد. تجربه اسلام‌آباد نشان داد که مذاکره بدون تضمین اجرایی و دریافتی‌های ملموس فقط بازی کردن در زمین دشمنی است که هر زمان بخواهد درخواست مذاکره می‌دهد و هر زمان بخواهد آن را رد می‌کند.

☆ جبهه اول: تجاوزات میدانی و نظامی	۳ نقش مستقیم تضمین
تجاوز موشکی سنگین به خاک ایران بند ۵ فروندهایی مرکزی آمریکا (سکاف) با حمله مستقیم به مراکز رازاری، موشکی و پهبادی در جنوب ایران، صریح‌ترین نقض تعهدات ارضی و آتشین اتحادیه‌ها را رقم زد.	پایام عملیاتی: تجاوز نظامی آشکار به حاکمیت ملی
عدم خروج اسرائیل از جنوب لبنان بند ۱ برخلاف تعهد صریح به توقف فوری جنگ، ارتش اسرائیل از جنوب لبنان عقب‌نشینی نکرد و با تخریب گسترده و امتداد بمباران‌ها به بیروت، بند اول را از روز نخست معلق ساخت.	پایام عملیاتی: فروپاشی کامل آتش‌بس منطقه‌ای
نقش آفرینی ناوگان آمریکا در هرمز ترتیبات دریایی عدم پایبندی واشنگتن به رفع محاصره دریایی و امرار بر تردد ناوها بدون سازوکار امنیتی ایران، آمریکا انتیترها را صرفاً ابزاری برای تثبیت هژمونی دریایی خود قرار داد.	پایام عملیاتی: نقض پرونده‌های کشتیرانی و امنیتی
بلکه ماندن کامل دارایی‌های ایران تعهد ارزی امروزه به تعهد آزادسازی دارایی‌های مسدودشده عمل نکرد، به جای رفع تحریم‌ها، تنها یک معافیت نقل محدود و مشروط صادر شد که آن هم در دوره ۶۰ روزه به درستی اجرا نشد.	نتیجه اقتصادی: تداوم انسداد و عدم گشایش مالی
صفر درصد تحقق تعهد ۳۰۰ میلیارد \$ سرمایه‌گذاری بسته مالی و وعده پرداخت یا مرزبانی ۳۰۰ میلیارد دلاری کاملاً روی کاغذ باقی ماند و هیچ کانال مالی یا مکانیزم اجرایی از سوی طرف غربی فعال نشد.	نتیجه اقتصادی: وعده پوچ و بدون پشتوانه مالی
خروج زود هنگام و تداوم تهدیدات بند ۱۳ و زمان نقض مهلت ۶۰ روزه، دریا با گذشت پیش‌شرط‌های بند ۱۳ و خروج یکجانبه، هکاری با تهدیدات مکرر رسانه‌ای ترامپ و حفظ سیاست ارباب و فشار حداکثری بر تهران.	نتیجه سیاسی: ابطال یکطرفه توافق با زبان تهدید

احسان میرباقری

روزنامه‌نگار

پیش از تفاهم اسلام‌آباد، برخی مقامات از جمله رئیس تیم مذاکره‌کننده صراحتاً می‌گفتند مذاکره با آمریکا بدون برداشتن موانع اقتصادی و فشارهای اصلی معنا ندارد. آزادسازی پول‌های بلوکه‌شده، کاهش تحریم‌ها، رفع محاصره دریایی و ایجاد تضمین برای اجرای تعهدات، از جمله مطالباتی بود که در مسیر مذاکرات مطرح شد. یعنی قرار نبود ایران صرفاً در برابر وعده‌های سیاسی آمریکا امتیاز بدهد و تنگه هرمز را باز کند.

اما در ادامه، روند مذاکرات به جایی رسید که حتی در متن تفاهم‌نامه نیز بخش قابل توجهی از همان مطالبات به تعهدات مکتوب آمریکا تبدیل شد با این تفاوت که اجرای آنها یا به توافق نهایی موکول شد یا در عمل هیچ‌گاه به سطحی نرسید که فشار اقتصادی ایران را به شکل پایدار برطرف کند.

اما کدام یک از این وعده‌ها به نتیجه‌ای رسید که بتوان آن را دستاورد اقتصادی ملموس برای ایران نامید؟ آمریکا در مقطعی یک معافیت محدود نفتی صادر کرد، اما این با رفع تحریم‌ها، آزادسازی کامل دارایی‌های ایران و اجرای تعهدات اقتصادی تفاهم‌نامه فاصله بسیار زیادی داشت. حتی گزارش‌های مربوط به همان معافیت نیز آن را اقدامی موقت برای دوره ۶۰ روزه مذاکرات توصیف می‌کردند که به‌طور کامل اجرا نشد.

بند اول، بندی که از روز اول روی زمین ماند

اما اگر قرار است تفاهم اسلام‌آباد سند شکست آمریکا نامیده شود، ابتدا باید دید اولین بند آن چه شد.

بند اول تفاهم‌نامه، پایان فوری و دائمی عملیات نظامی در همه جبهه‌ها، از جمله لبنان، را تصریح می‌کرد. یعنی اگر قرار بود این سند واقعاً یک پیروزی دیپلماتیک بر آمریکا باشد، نخستین آزمون آن باید توقف حملات رژیم صهیونیستی در لبنان و جلوگیری از ادامه جنگ می‌بود.

اما از همان روزهای نخست، گزارش حملات اسرائیل به جنوب لبنان منتشر شد و دامنه حملات به بیروت نیز کشیده شد. در واقع، سندی که قرار بود به تعبیر برخی شکست آمریکا باشد، حتی در اجرای بند اول خود نتوانست ماشین جنگی رژیم صهیونیستی را متوقف کند. گزارش‌های آن مقطع نیز از حملات مرگبار اسرائیل در جنوب لبنان پس از امضای تفاهم حکایت داشتند.

آنچه در عمل مانع ادامه حملات گسترده‌تر به بیروت شد، نه یک بند کاغذی، بلکه هشدار روشن جمهوری اسلامی بود. همان تهدیدی که تهران اعلام کرد در صورت هدف قرار گرفتن بیروت، تل‌آویو هدف قرار خواهد گرفت و پس از آن، معادله میدان تغییر کرد.

تنگه هرمز میدان آزمونی دیگر

ماجرای فقط لبنان نبود. در موضوع تنگه هرمز نیز تفاهم‌نامه ترتیبی مشخص برای عبور امن کشتی‌های تجاری در دوره ۶۰ روزه پیش‌بینی کرده بود و در مقابل، آمریکا متعهد به رفع محاصره دریایی شده بود. ایران نیز مسئولیت‌هایی درباره عبور امن کشتی‌ها و رفع موانع فنی و نظامی می‌داد. اما آمریکا حتی در فضای آتش‌بس نیز به دنبال تثبیت حضور و ابتکار عمل نظامی خود بود. حضور نیروهای آمریکایی در منطقه و تلاش برای کنترل شرایط دریایی، نشان داد واشنگتن آتش‌بس را لزوماً به معنای کنار گذاشتن اهرم نظامی نمی‌داند.

در چنین شرایطی، ایران بارها هشدار داد که نیروهای آمریکایی باید از آب‌های ایران فاصله بگیرند. نتیجه آن نیز عقب‌نشینی نیروهای آمریکایی پس از رویارویی و هشدارهای نظامی بود. بنابراین باز هم آنچه معادله را تغییر داد، قدرت بازدارندگی و تهدید معتبر بود، نه صرفاً متن تفاهم‌نامه.

لکنتی که به سطح ریاست جمهوری رسید

تناقض اصلی اما از جایی آغاز می‌شود که برخی دلسوزان و جریان‌ات به اصطلاح

یادداشت

اتاق تاریک شش نفره
برای سیاست خارجی!پدرام حسینی
روزنامه نگار

بقایای سخنگوی وزارت امور خارجه روز گذشته اعلام کرد کمیته تخصصی ۶ نفره ذیل شورای عالی امنیت ملی پرونده مذاکرات راهدایت می‌کند. به گفته او، فعالیت این کمیته نشان دهنده انسجام ساختاری و رسیدگی متمرکز نظام جمهوری اسلامی ایران به پرونده مذاکرات است. این ساختار منسجم و هوشمندانه، به ادعای سخنگو، صیانت قاطع از منافع حیاتی کشور و هدایت مقتدرانه فرایندهای دیپلماتیک را براساس اصول عزتمندانه تضمین می‌سازد. اما این ادعا بیش از آنکه اطمینان بخش باشد، ابهام‌آفرین و سؤال برانگیز است.

پیش از این، مسعود پزشکیان در برنامه «فیس ۵ نیشن» شبکه سی‌بی‌اس برای نخستین بار از وجود تیمی متشکل از شش عضو از نهادهای مختلف، نیروهای امنیتی، نمایندگان مجلس و دستگاه‌های دولتی سخن گفت. تیمی که می‌نشینند و درباره فرآیندهای تصمیم‌گیری گفتگو و رایزنی می‌کنند و تصمیمات را با هماهنگی اتخاذ می‌کنند. این اظهارنظر نه تنها شفافیت ایجاد نکرد، بلکه سؤالات و ابهامات تازه‌ای درباره ترکیب واقعی تصمیم‌گیران حوزه سیاست خارجی برانگیخت و فضای عمومی را پراز گمانه‌زنی ساخت.

سابقه مخالفت صریح رهبر انقلاب آیت‌الله‌عید مجتبی خامنه‌ای با روند طی شده در شورای عالی امنیت ملی پیرامون مذاکرات و تفاهم اسلام‌آباد، پیام‌های صریح ایشان در عید غدیر و سپس هفته دفاع مقدس، همگی گواه نارضایتی مقام معظم رهبری از مسیر طی شده است. عزل ذوالقدر از دبیری شورای عالی امنیت ملی نیز به وضوح نشان داد که نارضایتی مقام عالی‌رتبه کشور از روند شورا جدی و غیرقابل انکار بوده است. اکنون گمانه‌زنی‌ها از گزینشی هدفمند و حساب‌شده در درون خود شورای عالی امنیت ملی حکایت دارد؛ گزینشی که حتی تک‌رای مخالف مبتنی بر نظر علی‌الاصول رهبری را خنثی کرده است. صدای سایر مخالفان احتمالی در اعضای شعاع که پس از مشاهده سرنوشت تلخ تفاهم اسلام‌آباد و دیدن نظر مخالف علی‌الاصول رهبر انقلاب، نسبت به مذاکرات پیگیری‌شده توسط قالیباف، پزشکیان و عراقچی نظر دیگری پیدا کرده بودند، نیز عملاً بی‌اثر شده است.

اکنون باید ترکیب این کمیته ۶ نفره باید علنی و شفاف اعلام شود. اصل اعلام مسئولیت فردی هریک از اعضا و به تبع آن پاسخگویی در برابر تصمیم گرفته‌شده باید فوراً در برابر دیدگان ملت ایران قرار گیرد. دودور مذاکره فریب‌خورده، تحمیل جنگ، و خسارات سنگین ناشی از موضع اشتباه، زمان اشتباه و افراد کارناבלد، کافی بوده است. کشور نمی‌تواند بار دیگر قربانی همان چرخه تکراری و ویرانگر شود. پس از سه دور مذاکرات فریب و سپس سه دور نبرد (جنگ ۱۲ روزه، جنگ ۳۹ روزه و ۱۷ روز نبرد در هرمز پس از نقض تفاهم اسلام‌آباد توسط آمریکا) مذاکره با موضع اشتباه، در زمان اشتباه و توسط افراد نابلد با کارنامه نه چندان قابل دفاع، یک بار برای همیشه باید متوقف شود.

جنگ تغییر
دهنده معادله
هسته‌ای

ترامپ با اشاره مستقیم به زرادخانه هسته‌ای کره شمالی، ناخواسته همان گزاره‌ای را تأیید می‌کند که مسکو، زلنسکی و شماری از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل درباره آن هشدار داده‌اند: جنگ علیه ایران می‌تواند به جای مهار اشاعه، انگیزه بازدارندگی را افزایش دهد و حتی موازنه راهبردی خاورمیانه را در برابر برتری هسته‌ای اسرائیل دگرگون کند. امروز می‌توان به جرات گفت که نتیجه رفتار قدرت‌های بزرگ بر محاسبات امنیتی منطقه آشکار شده است.

نگاهی به سطرهای نانوشته سخنان جدید رئیس‌جمهور آمریکا درباره سلاح هسته‌ای و کره شمالی

احترام به بمب، فشار بر ایران

بی‌پرده می‌گوید ایران نباید به چنین توانی دست یابد؛ گزاره‌ای که در کنار جنگ علیه ایران، هشدارهای روسیه و سخنان چهره‌های سیاسی درباره بازدارندگی قابل تأمل است.

اظهارات تازه دونالد ترامپ درباره رابطه خوب با کره شمالی و پیوند این رابطه با برخورداری پیونگ‌یانگ از موشک‌های هسته‌ای، بار دیگر منطق قدرت در سیاست خارجی واشنگتن را آشکار کرد. ترامپ

محسن فرهمند
روزنامه نگار

تمام و کمال ایران به npt و عدم تغییر در دکترین دفاعی نه تنها پاداشی از سوی جهان نداشته که مستوجب بیشترین تحریم، ترور و جنگ شده است.

اعتماد به آمریکا و نتایج مخرب آن

سرگتی لاوروف نیز پیش از این در حاشیه مجمع اقتصادی بین‌المللی سن پترزبورگ در ۵ ژوئن ۲۰۲۶، با اشاره به تجربه لیبی و کره شمالی گفت: «به محض اینکه لیبی برنامه هسته‌ای‌اش را رها کرد، قذافی سرنگون و کشته شد... هیلاری کلینتون جلوی صفحه تلویزیون کف می‌زد و خوشحال بود. اما جمهوری دموکراتیک خلق کره [کره شمالی] نتیجه‌گیری کرد که بدون سلاح هسته‌ای، از روی زمین محو خواهد شد. آن‌ها این انتخاب را انجام دادند و حالا کسی به آن‌ها دست نمی‌زند.» روایت روس‌ها روشن است: خلع سلاح بدون تضمین امنیتی معتبر درست مانند برج‌ام می‌تواند یک کشور را در برابر تغییر رژیم و مداخله خارجی آسیب‌پذیر کند.

لاوروف در اوایل شهریور نیز هشدار داد حملات آمریکا و اسرائیل به ایران می‌تواند دیدگاه‌هایی را در داخل ایران تقویت کند که دستیابی به سلاح هسته‌ای را انتظار راه‌جولوگیری از حملات بعدی می‌دانند. او گفت این دیدگاه بیش از حملات، در ایران حاشیه‌ای بود، اما پس از جنگ ممکن است تقویت شده باشد. او همچنین تداوم اختلال در تردد از تنگه هرمز را از پیامدهای مهم درگیری دانست. بنابراین، حتی از منظر مسکو، جنگ فقط مسئله تأسیسات هسته‌ای نیست؛ جنگ می‌تواند محاسبات راهبردی یک کشور و حتی منطقه را تغییر دهد.

اظهار نظر ولودیمیر زلنسکی در مصاحبه با فایننشال تایمز در ۶ ژوئیه نیز در همین زنجیره قرار می‌گیرد. او گفت: «بدون سلاح هسته‌ای، دیگر عضو باشگاهی نیستید که دیگران از حمله به آن هراس داشته باشند.» صرف‌نظر از موضع سیاسی زلنسکی، اهمیت این جمله در آشکار کردن یک واقعیت تلخ است: در محیط بین‌المللی بی‌ثبات، تضمین‌های امنیتی زمانی ارزش دارند که طرف مقابل هزینه نقض آنها را واقعی بداند.

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا شامگاه شنبه در موضعی قابل توجه در یکی از سخنرانی‌های خود اظهار داشت: «من ارتباط بسیار خوبی با کیم جونگ‌اون، رهبر کره شمالی، دارم. وقتی یک کشور ۱۱۲ موشک هسته‌ای در اختیار داشته باشد، خوب است که روابط خوب باشد. ولی ایران هرگز نباید سلاح هسته‌ای داشته باشد» این نخستین بار نیست که ترامپ چنین گزاره‌ای را به زبان می‌آورد. در محاسبه ترامپ، آنچه رفتار قدرت‌های بزرگ را کنترل می‌کند، نه تعهدات حقوقی، نه قطعنامه‌ها و نه وعده‌های دیپلماتیک، بلکه هزینه‌ای است که طرف مقابل می‌تواند بر آمریکا تحمیل کند. کره شمالی به دلیل برخورداری از بازدارندگی هسته‌ای، به کشوری تبدیل شده که رئیس‌جمهور آمریکا درباره آن از «روابط بسیار خوب» سخن می‌گوید؛ اما ایران باید در موقعیتی باقی بماند که امکان فشار علیه آن محفوظ باشد.

در همین زمینه مجله اکونومیست هشدار داد که دیدار احتمالی ترامپ و کیم جونگ‌اون به شدت اشتباه است. اکونومیست در ادامه اظهار می‌دارد: «ترامپ ادعا کرده که کیم به او احترام می‌گذارد، اما اکونومیست می‌گوید شرط کیم برای ملاقات، کنار گذاشتن خواسته خلع سلاح هسته‌ای آمریکا است و شناسایی رسمی زرادخانه هسته‌ای کره شمالی (۵۷ تا ۱۲۰ بمب) پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را تضعیف می‌کند.» اظهارات دیروز دیمیتری مدودف نیز در همین زمینه قابل تأمل است. معاون شورای امنیت روسیه در گفت‌وگویی اظهار کرد: «جنگ علیه ایران باعث شده کشورهای زیادی به دستیابی به سلاح هسته‌ای فکر کنند.» او افزود که از نظر برخی کشورها، دستیابی به سلاح هسته‌ای می‌تواند تضمینی برای جلوگیری از درگیری‌های بزرگ‌تر باشد. این موضع بازتاب نگرانی‌ای است که طی ماه‌های پس از جنگ ۳۹ روزه، بارها در ادبیات مقامات روسیه تکرار شده است. تعهد

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیرمسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲
■ کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵

■ آدرس: خ ســـپهبد قـرنی خ شـــاداب پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline

فرهنگ
C U L T U R A L

دوشنبه ۱۳ مهر ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۱۵۱

یادداشت

شورای عالی هنر قرار است چه کند؟

مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

اصغر فرهادی در حاشیه جشنواره فیلم ریو و در گفت‌وگو با وایتی، انتقادهای تندی را متوجه هالیوود و سینمای آمریکا در جهان کرد. او با طرح این پرسش که چرا تصور می‌کنید شما خیلی با فهم و کمالات هستید و فکر می‌کنید که ما در مرتبه پایین‌تری قرار داریم به کلیشه ناجی آمریکایی در آثاری مانند آرگوشاره کرد و پرسید چه کسی از شما خواسته بود بیاید و ما را نجات دهید.

فرهادی در ادامه با صراحتی که کم‌تر از او سراغ داریم ادعای دموکراسی در آمریکا را دروغ خواند و تأکید کرد ملت‌هایی مانند ایران و کوبا خودشان توانایی حل مسائل و نجات خویش را دارند و نیازی به شنیدن این جمله نیست که یک روز شما هم مثل ما خواهید شد. این مواضع در نوع خود تأمل‌برانگیز است و نشان می‌دهد یکی از نمادهای سینمای مورد توجه غرب در ایران، در حال بازنگری در نگاه خود به جهان است و دیگر غرب را کعبه آمال خویش نمی‌داند.

این تغییر رویکرد هم‌زمان با آن رخ می‌دهد که آخرین اثر او با نام داستان‌های موازی با وجود ظرفیت‌های دراماتیک مناسب، از سوی فرانسوی‌ها مورد بی‌اعتنایی قرار گرفت و همین مسئله تلخی‌های خاص خود را به همراه داشت. از سوی دیگر این مسئله نشان می‌دهد مسیر هنری او نیز در حال پوست‌اندازی است. این رویکرد جدید در حالی شکل می‌گیرد که پیش از این، بسیاری از منتقدان به‌درستی او را نماد سینمایی می‌دانستند که صرفاً برای دیده شدن در جشنواره‌های اروپایی و آمریکایی ساخته می‌شود. با این حال نباید از این دست اظهار نظر ها هیجان زده شد و عنان از کف داد. باید با احتیاط به این مسئله نگریست، زیرا ممکن است این پالس‌ها در راستای پروژه‌ای برای بازگرداندن سینماگران خارج‌نشین به کشور باشد یا در بدبینانه‌ترین حالت، دستاوردسازی برای دولت ضعیف چهاردهم تلقی شود. مخاطبان داخلی اکنون با دقت بیشتری این تحولات را رصد می‌کنند و منتظرند ببینند آیا این شعارها در عمل نیز به تولید آثار متفاوتی منجر خواهد شد یا خیر. صرف‌نظر از انگیزه‌های پشت پرده، همین که چهره‌ای شناخته‌شده در حال حمله به آمریکا است، اثر حداقلی خود را بر جای می‌گذارد و ذهنیت بخشی از مخاطبان را نسبت به غرب تغییر می‌دهد.

البته هیچ بعید نیست که پس از این صحبت‌ها، جشنواره‌ها و محافل سینمایی کارگردان جدایی‌ناپذیر از سینمای رابایکوت کنند. در نهایت می‌توان گفت فرهادی همچون روح جاری در فیلم اخیرش دست از محافظه‌کاری برداشته و شفاف‌تر نظراتش را بیان می‌کند. بدون شک این تحولات نشان می‌دهد او دیگر نمی‌خواهد در حاشیه امن خود بماند و آماده پذیرش عواقب است.

بازآفرینی نقش تربیتی و مهارتی مساجد؛ از توانمندسازی جوانان تا بازپس‌گیری سنگر فرهنگ‌سازی

مسجد «انسان» تربیت می‌کند

شده است ظرفیت کانون‌های فرهنگی هنری مساجد در مسیر مهارت‌افزایی بچه‌های مسجد نیز فعال شود». نیلی با اشاره به طرح «مسجد، کانون نشاط» افزود: «در راستای محوریت دادن به کانون‌های مساجد برای اجرای این طرح‌ها، یکی از اولویت‌های ما قرار دادن مسجد در جایگاه بستری برای مهارت‌آموزی و توانمندسازی اعضای کانون‌هاست. رویکردی که می‌تواند زمینه ورود نوجوانان و جوانان به عرصه‌های حرفه‌ای و اشتغال را نیز فراهم کند.

حمید نیلی، معاون فرهنگی و هنری ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد کشور، با تشریح رویکردهای جدید این ستاد در زمینه اجرای تفاهم‌نامه با سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای، بر لزوم بازگرداندن مسجد به جایگاه محوری خود در تربیت نیروی انسانی تأکید کرد. وی در این خصوص اظهار کرد: «نگاه ما به مسجد، نگاهی مبتنی بر محوریت آن در تربیت نیروی انسانی برای عرصه‌های مختلف است و بر همین اساس تلاش



وحید ناظری
روزنامه‌نگار

تفاهم‌نامه میان ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد کشور و سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای در همین راستا دنبال می‌شود و فعالیت‌های انجام‌شده در مرداد و شهریور ۱۴۰۵ را می‌توان نخستین گام از یک مسیر سه‌ساله دانست. معاون فرهنگی و هنری ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد کشور با ارائه آماری از عملکرد دو ماه نخست این تفاهم‌نامه ادامه داد: «براساس آمار ثبت‌شده، در مردادماه ۱۴۰۵ تعداد یک هزار و ۹۳۲ نفر-دوره آموزشی در کانون‌های مساجد ثبت شده است که این رقم در شهریورماه به دو هزار و ۳۰۵ نفر-دوره افزایش یافته و مجموع دو ماه به چهار هزار و ۳۳۷ نفر-دوره رسیده است».

وی با اشاره به رشد ۱۹.۳ درصدی نفر-دوره در شهریور نسبت به مردادماه تصریح کرد: «این روند نشان می‌دهد که ظرفیت کانون‌های مساجد برای ورود به عرصه مهارت‌آموزی، ظرفیت قابل‌توجهی است و می‌توان با برنامه‌ریزی و استمرار آموزش‌ها، دامنه بهره‌مندی اعضای کانون‌ها از دوره‌های مهارتی را افزایش داد». نیلی همچنین به آمار نفرساعت آموزش‌های ارائه‌شده اشاره کرد و گفت: «در مردادماه ۷۴ هزار و ۱۹۰ نفرساعت آموزش ثبت شده است که این رقم در شهریورماه به ۲۵۵ هزار و ۱۶۲ نفرساعت رسیده است. مجموع نفرساعت آموزش در این دو ماه به ۳۲۹ هزار و ۲۵۲ نفرساعت رسیده که براساس آمار موجود، نفرساعت آموزش در شهریور نسبت به مردادماه رشد ۲۴۴ درصدی را تجربه کرده است».

وی در بخش دیگری از سخنانش به عملکرد استان‌ها در مجموع دو ماه مرداد و شهریور اشاره کرد و گفت: «در میان استان‌ها، خراسان رضوی با ثبت ۷۱۷ نفر-دوره، بیشترین عملکرد را به خود اختصاص داده است. پس از آن خوزستان با ۶۸۲ نفر-دوره و اصفهان با ۶۱۶ نفر-دوره در رتبه‌های بعدی قرار دارند. خراسان جنوبی با ۳۴۷ نفر-دوره و یزد با

یادداشت

شاید فرهادی هم دیگر نمی‌خواهد وسط‌بازی باشد

وحید ناظری
روزنامه‌نگار

تشکیل «شورای عالی هنر و ادبیات» اگر قرار بود نشانه یک تحول جدی در سیاست فرهنگی دولت باشد، دست‌کم باید معلوم می‌کرد این شورا برای حل کدام بحران تشکیل شده است. اما متن مصوبه پیشتر از آنکه برنامه‌ای برای هنر ارائه کند، مجموعه‌ای از عبارات کلی، مدیریتی و بی‌خاصیت را کنار هم چیده است؛ عباراتی که تقریباً درباره هر دستگاه دولتی دیگری هم می‌توان نوشت.

شورا قرار است «هم‌افزایی» ایجاد کند، «چالش‌ها» را رفع کند، «فرآیند خدمات‌رسانی» را بهینه کند و میان بخش‌های مختلف «ارتباط» برقرار کند. اما این ادبیات دقیقاً چه معنایی دارد؟ کدام چالش؟ کدام فرآیند؟ با چه بودجه‌ای؟ در چه بازه زمانی؟ با چه شاخصی قرار است موفقیت شورا سنجیده شود؟ پاسخ هیچ‌کدام روشن نیست.

مسئله جدی‌ترین است که اساساً معلوم نیست این شورا چه کاره است. وزارت فرهنگ وجود دارد، معاونت‌های تخصصی وجود دارند، سازمان سینمایی و نهادهای متعدد فرهنگی و هنری وجود دارند، شورای عالی انقلاب فرهنگی هم هست. حالا یک شورای دیگر هم اضافه شده که قرار است ظاهراً همه این‌ها را به هم وصل کند. نتیجه چه خواهد بود؟ یک لایه مدیریتی دیگر، چند جلسه رسمی دیگر و احتمالاً مجموعه‌ای از مصوبات که در بایگانی دستگاه‌های دولتی خاک خواهند خورد.

ترکیب شورانیزپرشن برانگیز است. قرار است معاون اول رئیس‌جمهور، چند وزیر، رئیس سازمان صداوسیما، رئیس سازمان برنامه و بودجه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی و مدیران نهادهای مختلف، کنار تعدادی هنرمند و «خبه» هنری و ادبی بنشینند و درباره هنر تصمیم بگیرند. اما معیار انتخاب این «خبرگان» چیست؟ چه کسی تعیین می‌کند چه کسی خبره است؟ نماینده کدام جریان فکری و کدام بخش از جامعه هنری‌اند؟ آیا منتقدان سیاست‌های فرهنگی دولت نیز جایی در این ترکیب دارند یا قرار است باز هم همان چهره‌های آشنا، مورد اعتماد و کم‌هزینه دور یک میز جمع شوند؟

حتی متن مصوبه از نظر ادبیات نیز تأسف‌آور است. برای نهادهای که نام «هنر و ادبیات» را یک می‌کشد، زبان مصوبه سرشار از ترکیبات کلیشه‌ای و بوروکراتیک است: «هم‌افزایی»، «بهینه‌سازی»، «خدمات‌رسانی»، «سیاست‌گذاری» و «سازوکارهای اجرایی». این زبان نه تصویری از وضعیت واقعی هنر ایران ارائه می‌دهد و نه حتی نشان می‌دهد نویسندگان مصوبه مسئله را دقیقاً فهمیده‌اند. از همه مهم‌تر، بخشی اجرایی را هم گذاشته‌اند برای بعد! قرار است شورا تازه بعداً دستورالعمل اجرایی بنویسد تا مشخص شود چه باید بکند. یعنی نهادهای تشکیل‌دهنده، اعضای تعیین می‌شوند و ساختارش اعلام شده، اما مأموریت عملیاتی‌اش هنوز نوشته نشده است.

این دیگر بیشتر شبیه تشکیل یک ستاد نمایشی برای اعلام اینکه دولت کاری برای هنر کرده است تا تأسیس یک نهاد سیاستگذار جدی. هنر ایران شورایی تازه نمی‌خواهد؛ سیاست روشن، آدم‌های متخصص، بودجه واقعی، پاسخگویی و آزادی عمل می‌خواهد. اگر خروجی این شورا هم مثل بسیاری از شوراها، مشابه، چند عکس یادگاری، چند جلسه و چند مصوبه کلی باشد، بهتر است از همین حالا نام دقیق‌تری برایش انتخاب کنیم: شورای عالی تولید صورت‌جلسه برای هنر و ادبیات.

و نوجوانان، درباره آخرین وضعیت این فیلم گفته است: «غذای نیمروز» این روزها در یکی از جشنواره‌های بین‌المللی حضور دارد و کانون قصد دارد آن را برای جشنواره فیلم فجر امسال ارسال کند.

به گفته او، فیلم سال گذشته دارای ایرادات فنی بود و به همین دلیل امکان حضور در جشنواره را پیدا نکرد. با این حال، ماجرای حضور «غذای نیمروز» در فجر همچنان قطعی نیست. علامتی نیز با اشاره به محدودیت‌های جشنواره درباره سال تولید آثار تأکید کرده که ارسال فیلم تابع قوانین و مقررات جشنواره خواهد بود و تصمیم نهایی را مسئولان جشنواره خواهند گرفت. «غذای نیمروز» سال گذشته متقاضی حضور در چهل‌وچهارمین جشنواره فیلم فجر بود، اما در نهایت در فهرست آثار راه‌یافته قرار نگرفت. اکنون باید دید این فیلم با رفع ایرادات فنی و حضور در جشنواره‌های بین‌المللی، می‌تواند از سد مقررات مربوط به سال تولید عبور کند و بالاخره به ویرترین جشنواره فیلم فجر برسد یا نه.



فیلم سینمایی «غذای نیمروز» تازه‌ترین ساخته مجید مجیدی، بار دیگر در مسیر حضور در جشنواره فیلم فجر قرار گرفته است؛ فیلمی که سال گذشته به دلیل برخی ایرادات فنی نتوانست راهی جشنواره شود و حالا قرار است شانس خود را برای حضور در چهل‌وپنجمین دوره این رویداد سینمایی امتحان کند. علیرضا علامتی، مدیرعامل کانون پرورش فکری کودکان

«غذای نیمروز» مجیدی در مسیر فجر؟